



Verbal Inflection in Kurdish: A Construction Morphology Approach

Nastaran Divani¹, Fariba Ghatreh²

1. Ph.D. Student of Linguistics, Department of Linguistics, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, Iran. E-mail: n.divani@alzahra.ac.ir/ nastarandivani@gmail.com
2. Corresponding Author, Associate Professor, Department of Linguistics, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, Iran. E-mail: f.ghatreh@alzahra.ac.ir

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 19 Nov 2022

Received in revised form:
07 Jan 2023

Accepted: 21 Jan 2023

Available online: 22 June
2023

Keywords:

Verbal inflection,
Verbal affixes,
Structuralist approach,
Construction
Morphology,
Sanandaji Kurdish.

As one of the most important and also the most challenging processes in morphology field, inflection has been under scrutiny from different points of view. Construction Morphology (CM) as one of the subsequent approaches in morphology with a structural perspective attempts to establish a systematic relationship between form and meaning and in this regard it introduces a means to analyze miscellaneous morphological processes, including inflection. The present study depicts the inflectional forms of verb in Sanandaji dialect of Kurdish in the Construction Morphology framework based on data taken from 1000 sentences, including 100 simple Sanandaji Kurdish verbs compiled by authors. What this paper copes with is the inflectional constructions analysis of simple verb in Kurdish using the constructional schemas. As a result, it is indicated in some cases by which there is no common basis between present and past stem of the verb, second-order schemas are capable of establishing such relationship properly.

Cite this article: Divani, N., & Ghatreh, F. (2023). Verbal Inflection in Kurdish: A Construction Morphology Approach. *Research in Western Iranian Languages and Dialects*, 11 (2), 17-33.



© The Author(s).

Publisher: Razi University.

DOI: 10.22126/JLW.2023.8471.1669



تصریف فعل در کردی سنندجی در چارچوب ساخت‌واژه ساختی

نسترن دیوانی^۱، فریبا قطره^۲

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. رایانامه: n.divani@alzahra.ac.ir
nastarandivani@gmail.com
۲. نویسنده مسئول، دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. رایانامه: f.ghatreh@alzahra.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

تصریف یکی از مهم‌ترین و درعین‌حال پرچالش‌ترین فرایندهای حوزه ساخت‌واژه به‌شمار می‌رود که همواره از دیدگاه‌های مختلف بررسی شده است. رویکرد ساخت‌واژه ساختی یکی از رویکردهای متأخر در حوزه ساخت‌واژه است که با نگاهی ساخت‌بنیاد به ساخت‌واژه زبان در تلاش است تا ارتباطی نظام‌مند بین صورت و معنا برقرار کند. این رویکرد در این زمینه ابزاری را معرفی می‌کند که به‌وسیله آن می‌توان فرایندهای گوناگون ساخت‌واژی از جمله تصریف را فارغ از ساخت‌واژی یا نحوی بودن آن‌ها تحلیل کرد. در پژوهش پیش‌رو، صورت‌های تصریفی فعل در گویش سنندجی از زبان کردی در چارچوب ساخت‌واژه ساختی توصیف می‌شود. داده‌های این پژوهش، برگرفته از پیکره‌ای ۱۰۰۰ جمله‌ای، شامل ۱۰۰ فعل ساده زبان کردی است که نگارنده آن را گردآوری کرده است. آنچه در این نوشتار به آن پرداخته می‌شود تحلیل ساخت‌های تصریفی فعل ساده در زبان کردی سنندجی با استفاده از طرح‌واره‌های ساختی است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد در مواردی که نتوان به پایه مشترکی بین دو سازه تصریفی قائل شد، طرح‌واره‌های مرتبه دوم به‌خوبی از عهده برقراری ارتباط بین آن‌ها برمی‌آیند.

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۲۸ آبان ۱۴۰۱

تاریخ بازنگری: ۱۷ دی ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۱ بهمن ۱۴۰۱

دسترسی برخط: ۱ تیر ۱۴۰۲

واژه‌های کلیدی:

تصریف فعل،

وندهای فعلی

رویکرد ساخت‌بنیاد،

ساخت‌واژه ساختی،

کردی سنندجی.

استاد: دیوانی، نسترن؛ قطره، فریبا (۱۴۰۲). تصریف فعل در کردی سنندجی: در چارچوب ساخت‌واژه ساختی. *مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران*، ۱۱ (۲)، ۱۷-۳۳.



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه رازی

DOI: 10.22126/JLW.2023.8471.1669

۱- مقدمه

تصریف همواره به‌عنوان یکی از فرایندهای مهم و مسئله‌ساز ساخت‌واژی در حوزه زبان‌شناسی مطرح بوده است که گاهی تشخیص آن از ساخت‌واژه -به‌طور مشخص فرایند اشتقاق- یا واژه‌بست‌افزایی کار دشواری به‌نظر می‌رسد. از این جهت، پژوهشگرهای این حوزه، از معیارهایی همچون زیایی، قاعده‌مند بودن معنایی و فاصله تا ریشه برای تعیین تمایز بین تصریف و دو فرایند مذکور کمک گرفته‌اند. در حالت کلی، قرار گرفتن تصریف و اشتقاق در مقابل یکدیگر و تمایل زبان‌شناسان به بررسی وجوه تمایز و افتراق آن‌ها، به این دلیل است که در زبان‌های دنیا فرایندهایی چون پیشوندافزایی، پسوندافزایی، میانوندافزایی و تکرار، هم به‌عنوان فرایند تصریفی و هم به‌عنوان فرایند اشتقاقی یافت می‌شوند (باکتر^۱، ۱۹۹۲: ۱۴).

در دیدگاه واژه‌گرایی^۲، وندها بسیار به واژه‌ها شبیه هستند؛ به این دلیل که دارای فهرستی واژگانی‌اند که صورت واجی، محتوای معنایی، محدودیت‌های زیرمقوله‌ای و ویژگی‌های ساخت‌واژی-نحوی آن‌ها را تعیین می‌کنند (استامپ^۳، ۲۰۰۱: ۱۷). آرونوف^۴، یکی از طرف‌داران واژه‌گرایی قوی، با بیان شرط استقلال واژه^۵ بر این باور است که گشتارهای نحوی، واژه نمی‌سازند. براساس این شرط هیچ گشتار حذف یا حرکتی وجود ندارد که هم بر ساخت واژه و هم بر ساخت جمله عمل کند؛ بنابراین، هر نوع تحلیل نحوی از تصریف از دیدگاه وی مردود است (اسپنسر^۶، ۱۹۹۱).

به‌صورت خلاصه، از نظر آرونوف، تصریف و اشتقاق انواعی از صرف نیستند؛ بلکه کاربردهای گوناگون صرف محسوب می‌شوند؛ تصریف، بازنمایی ساخت‌واژی نحو، و اشتقاق، بازنمایی ساخت‌واژی فرایند ساخت قاموس واژه^۷ است (استامپ، ۲۰۰۱: ۵). از سوی دیگر، پولاک^۸ (۱۹۸۹) باتکیه بر رویکرد «اصول و پارامترها»^۹، بر این باور است که هریک از مقوله‌های نقشی تصریف باید در نمودار درختی به‌صورت فراقنی‌های بیشینه‌ای که هرکدام دارای هسته مشخصی هستند، نشان داده شوند. در حالت کلی، در رویکرد هسته نقشی^{۱۰}، تصریف

1. H. Bochner

۲. Lexicalist را چامسکی (۱۹۷۰) مطرح کرد که بعدها دو شاخه واژه‌گرایی قوی (strong) و واژه‌گرایی ضعیف (weak) از آن منشعب شدند و براساس آن گشتارهای نحوی می‌توانند فقط بر سازه‌های نحوی عمل کنند. در الگوی ضعیف، گشتارهای نحوی بر واژه‌های اشتقاقی نمی‌توانستند، عمل کنند؛ اما در الگوی قوی هر دو دسته واژگان تصریفی و اشتقاقی در این قاعده جای می‌گیرند.

3. G.T. Stump

4. M. Aronoff

5. Word Structure Autonomy Condition

6. A. Spencer

7. lexeme formation

8. J.Y. Pollock

9. Principles and Parameters

10. The Functional Head Approach

به‌عنوان فرایندی کاملاً نحوی قلمداد می‌شود (استامپ، ۲۰۰۱).

فارغ از اینکه فرایند تصريف را به کدام‌یک از حوزه‌های زبان‌شناسی نسبت دهیم، نظریه ساخت‌واژه ساختی با معرفتی انواع متفاوتی از طرح‌واره‌ها، ابزاری را در اختیار ما قرار می‌دهد تا به وسیله آن همه فرایندهای واژگانی را در دو سطح نحو و سطح صرف توصیف و تحلیل کنیم. در حالت کلی، این رویکرد که انشعابی از نظریه دستور ساختی^۱ به حساب می‌آید، تلاشی برای درک بهتر رابطه بین صرف، نحو و واژگان و همین‌طور ویژگی‌های معنایی واژه‌های مرکب است (بوی^۲، ۲۰۱۰: ۱).

نظریه ساخت‌واژه ساختی، نظریه‌ای جامع و فراگیر است که همه فرایندهای ساخت‌واژی را می‌توان در قالب این نظریه توجیه و تبیین کرد. ون در اسپوی^۳ (۲۰۱۷) در پژوهشی با داده‌هایی از زبان‌های مختلف نشان داده است که چگونه چارچوب ساخت‌واژه ساختی می‌تواند همه انواع فرایندهای تصريفی را تبیین کند. علاوه بر این، او به این مسئله می‌پردازد که این چارچوب را می‌توان از نوع نظریه ساخت‌واژی‌ای دانست که استامپ (۲۰۰۱) آن را با عنوان ساخت‌واژه «استنباطی-بازنمودی» معرفتی کرده و اظهار داشته که این نظریه تنها نظریه‌ای است که می‌تواند همه موضوعات شناخته‌شده ساخت‌واژه را دربر بگیرد. در همین زمینه، در این پژوهش او فرایندهایی مانند تصريف، وندافزایی، تکرار، قلب و بسیاری دیگر را در زبان‌های مختلف برشمرده است و با تعریف الگوهای ساخت‌واژی برای هر کدام، کاربرد وسیع و فراگیر این نظریه را در زمینه ساخت‌واژه اثبات کرده است. همچنین، به این مسئله توجه شده است که دستور ساختی -که ساخت‌واژه ساختی نیز زیرمجموعه آن در سطح واژگان است- یک الگوی کارآمد از دانش گویشور درباره زبان وی به شمار می‌رود.

در زمینه تصريف فعل کردی، از منظر ساخت‌واژی و در چارچوب نظریه ساخت‌واژه ساختی، با توجه به بررسی‌های انجام‌شده، پژوهش مشخصی صورت نگرفته است. همچنین، در زبان فارسی پژوهشگرهای این حوزه عمدتاً به فرایند اشتقاق پرداخته‌اند و فرایندهای واژه‌سازی زبان فارسی را در این چارچوب بررسی کرده‌اند. بنابراین، در این بخش به ذکر عنوان برخی از پژوهش‌هایی اکتفا می‌کنیم که در این چارچوب با داده‌هایی از زبان فارسی ارائه شده‌اند. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به مقاله‌های بامشادی و قطره (۱۳۹۶) در مورد چندمعنایی پسوند «-ی» در زبان فارسی، بامشادی و اردکانی (۱۳۹۹) در مورد پسوند «-ار» از منظر ساختی-شناختی، صفری و نیک‌نسب (۱۳۹۹) در مورد واژه‌سازی زبان فارسی، بهرامی‌خورشید و قندی (۱۳۹۹) درباره واژه‌های مختوم به پسوند «-ار» در زبان فارسی، عباسی (۱۳۹۶) در مورد واژه‌های غیربسیط فارسی در صرف واژگانی و صرف ساختی، رفیعی و رضایی (۱۳۹۸) درباره اسامی مشتق از پسوند «گر»، بامشادی و

۱. Construction grammar را نخستین‌بار زبان‌شناسانی چون لیکاف و فیلمور در (۱۹۸۰) مطرح کردند.

2. G. Booij

3. A. Van der Spuy

دیگران (۱۳۹۷) درباره چندمعنایی پسوند «-انه»، بامشادی و دیگران (۱۳۹۸) درباره دو پسوند اشتقاقی «-ین» و «-ینه» و شاهوردی شهرکی و دیگران (۱۳۹۸) در مورد دوگان‌سازی فعل در زبان فارسی اشاره کرد.

در پژوهش‌های پیشین در زمینه زبان کردی، برای فعل، پسوندها و پیشوندهایی برشمرده‌اند که برای بازنمایی نمود، وجه، زمان و شخص به ستاک فعل اضافه می‌شوند. باتوجه به تفاوت‌هایی که در این توصیف‌ها دیده می‌شود، در این نوشتار مبنای اصلی توصیف داده‌ها رساله دکتری کریم^۱ (۲۰۱۶) است که با بررسی و اصلاح سایر پژوهش‌ها براساس گویش سورانی از زبان کردی انجام گرفته است. گویش موردبررسی در این نوشتار، گویش سنندجی از زبان کردی است که هم از نظر وندها و واژه‌بست‌های فعلی و هم از نظر ساختار کُنایی^۲ تفاوت‌هایی با سایر گویش‌های بررسی‌شده کردی^۳ دارد. در ادامه به معرفی و بررسی وندها و واژه‌بست‌ها و ترسیم طرح‌واره‌های ساختی تصریف فعل در این گویش از زبان کردی^۴ خواهیم پرداخت.

۲- نظریه ساخت‌واژه ساختی

نظریه ساخت‌واژه ساختی را که با عناوینی مانند صرف ساخت‌بنیاد و صرف ساخت (ساختی) نیز در زبان فارسی ترجمه شده‌اند، بوی در سال ۲۰۱۰ معرفی کرد که در آن مفهوم «ساخت»^۵ نقشی اساسی و بنیادین را ایفا می‌کند. این نظریه که زیرشاخه نظریه دستور ساختی است، رویکردی ساخت‌بنیاد به صرف دارد و به روشنی بر شباهت بین ساخت‌واژه و نحو تأکید می‌ورزد. به‌طور مشخص در رویکردهای ساخت‌بنیاد واحد مطالعه زبان ساخت است و آنچه بوی (۲۰۱۰) به آن اشاره دارد این است که مفهوم ساخت، آن‌گونه که در چارچوب ساختار موازی^۶ جکنداف (۲۰۰۲) و دستور ساختی به آن پرداخته شده است، مفهومی کاملاً کاربردی در حوزه مطالعات ساخت‌واژی است. ساخت در دستور ساختی، رابطه‌ای قراردادی را بین صورت و معنی برقراری می‌کند:

1) /Form/ ↔ 'MEANING' (Van der Spuy, 2017)

1. R.A. Kareem

2. ergative

۳. زبان کردی از جمله زبان‌هایی با الگوی مطابقت کُنایی به حساب می‌آید که در آن فاعل فعل لازم و مفعول رفتار متفاوتی را نسبت به فاعل فعل متعدی نشان می‌دهد. در گویش سنندجی به این مسئله توجه شده است که در این زبان فاعل فعل متعدی و مفعول رفتارشان به نسبت فاعل فعل لازم متفاوت است. برخلاف آنچه دبیرمقدم (۱۳۹۲: ۷۲۳) در مورد کردی سنندجی اظهار کرده، این گویش فاقد الگوی اول است؛ هرچند که به دلیل تفاوت رفتار فاعل فعل لازم و فاعل فعل متعدی در ساختار گذشته متعدی در این گویش می‌توان به کُنایی بودن این ساختار قائل بود.

۴. از آنجاکه گویش موردبررسی گویش سنندجی از زبان کردی است، از این پس، مراد از زبان کردی در این نوشتار، گویش سنندجی است و در مواردی که گویش دیگری مدنظر باشد، نام آن ذکر خواهد شد.

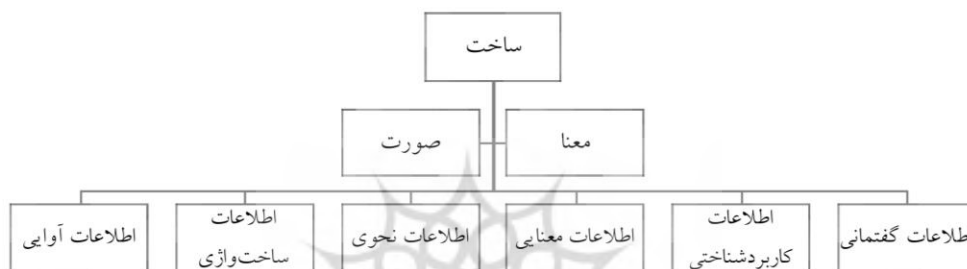
5. Construction

6. Parallel Architecture

بوی (۲۰۱۰) بُعد دیگری را به طرح‌واره (۱) در سطح واژگان افزود و آن اطلاعات نحوی به‌عنوان بخشی از صورت است:

2) /FORM/[FUNCTION] ↔ 'MEANING'

به‌صورت خلاصه، بوی (۲۰۱۰) واژه را نشانه‌ای زبانی تعریف می‌کند که ترکیبی از صورت و معنی است. صورت واژه نیز خود شامل صورت واجی و ویژگی‌های ساخت‌واژی نحوی است. بنابراین، هر واژه را می‌توان ترکیبی از سه دسته اطلاعات در نظر گرفت: اطلاعات واجی، اطلاعات ساخت‌واژی نحوی و اطلاعات معنایی که خود حاوی ویژگی‌های معنایی و اطلاعات کاربردشناختی و گفتمانی ساخت است.



نمودار (۱). ساخت‌واژه (بوی، ۲۰۱۰)

الگوی ساخت‌واژه ساختی، از طرح‌واره‌ها برای تبیین رابطه نظام‌مند صورت-معنا بین واژگان استفاده می‌کند. اساس این رویکرد بر این فرض استوار است که گویشوران زبان با دریافت گروه‌های زیادی از واژگانی با ساختار مشابه، به دستورالعمل ساخت‌واژی مشخصی دست می‌یابند که درکنار واژگان، در ذهن گویشور به خاطر سپرده می‌شوند. به عبارت دیگر، در صورتی که رابطه‌ای منظم بین معنا و صورت وجود داشته باشد، گویشوران یک زبان می‌توانند برای واژه‌ها ساختار داخلی قائل شوند. در این چارچوب، طرح‌واره‌های ساختی که از واژه‌های عینی زبان انتزاع پیدا کرده‌اند، این رابطه را نشان می‌دهند که علاوه بر طرح‌واره‌ها، زیرطرح‌واره‌ها^۱ و طرح‌واره‌های مرتبه دوم در این رویکرد برای توصیف فرایندهای ساخت‌واژی به کار برده می‌شوند. بوی (۲۰۱۷) نشان داده است که در مواجهه با تعداد زیادی از صفت‌ها که از افزودن «-y» به اسم ساخته شده‌اند، می‌توان به طرح‌واره‌ای مانند (۳) قائل شد:

noun	adjective	
art	arty	Form: [[x]N _i y]A _j
bitch	bitchy	Meaning: [possessing characteristic properties of SEM _i]SEM
girl	girly	
rust	rusty	

3) [[x]N_i y]A_j ↔ [possessing characteristic properties of SEM_i]SEM

کارکرد طرح‌واره‌ای مانند طرح‌واره (۳) در مرحله نخست نشان‌دادن میزان انگیزتگی صفت‌های مختوم به «۷» در انگلیسی است. به عبارتی، این طرح‌واره نشان می‌دهد که رابطه بین صورت و معنی در چنین واژه‌هایی، کاملاً دلخواهی نیست و معنای این صفت‌ها به معنای پایه اسمی و پسوندی وابسته است که به آن متصل شده است. از سوی دیگر، این طرح‌واره‌ها نشان می‌دهند که چگونه واژه‌های جدید ساخته می‌شوند؛ به این معنی که با جایگذاری هر اسمی در جایگاه X در طرح‌واره (۳)، صفت جدیدی را می‌توان ساخت (بوی، ۲۰۱۷: ۴).

زیر طرح‌واره‌ها نمونه‌هایی از طرح‌واره‌ها هستند که معنای مشخص تری دارند. بوی برای مشخص کردن لزوم وجود زیر طرح‌واره‌ها، طرح‌واره ترکیب را در انگلیسی مثال می‌زند که براساس آن دو عنصر با همدیگر ترکیب می‌شوند و یک کلمه مرکب می‌سازند:

4) $\langle [X_i Y_j] Y_K \leftrightarrow [SEM_j \text{ with some relation to } SEM_i]_K \rangle$

اما آنچه باید به آن توجه کرد این مسئله است که هر چند ترکیب‌های ساخته‌شده با این طرح‌واره در طرح‌واره اصلی باهم مشترک هستند، تفاوت‌هایی هم با یکدیگر دارند که این تفاوت‌ها در زیر طرح‌واره‌ها به خوبی نشان داده خواهد شد. برای مثال، در ترکیب دو اسم با یکدیگر، مشخص‌گر خود می‌تواند یک ترکیب دیگر باشد؛ اما در مورد ترکیب صفت با اسم این تکرار ممکن نخواهد بود. بنابراین، زیر طرح‌واره‌ای مانند (۵) اطلاعات منحصر به عناصر شرکت‌کننده در ترکیب دو اسم را ارائه می‌دهد:

5) $\langle [N_i N_j] N_K \leftrightarrow [SEM_j \text{ with some relation to } SEM_i]_K \rangle$ Productive, recursive

الگوهای مرتبه دوم روابط جانشینی را نشان می‌دهند. در بسیاری از موارد تعبیر کلمه مرکب بسته به رابطه جانشینی است که با کلمه مرکب دیگری برقرار می‌شود. در واژه‌های زیر معنای اسامی مختوم به «-ist» را می‌توان در ارتباط با اسامی مختوم به «-ism» تعبیر کرد هر چند که برای همه واژه‌های مختوم به «-ist» نمی‌توان به جفت «-ism» قائل شد! حتی در برخی از موارد نیز با اینکه هر دو جفت در واژگان موجودند، معنی مرتبطی با یکدیگر ندارند.

atheist	↔	atheism
anarch	↔	anarchism
autism	↔	autism
bolshevik	↔	bolshevism
Calvin	↔	Calvinism

6) $[x\text{-ism}]N_i \leftrightarrow [SEM_i] \approx [x\text{-ist}]N_j \leftrightarrow [\text{person related to } SEM_i]SEM_j$

یکی دیگر از مفاهیم مورد بحث در این الگوی ساخت‌واژی، مسئله یکسان‌سازی طرح‌واره^۲ است. استفاده از طرح‌واره ساخت‌واژی برای ساختن یک کلمه مرکب ممکن است به کاربرد هم‌زمان یک فرایند ساخت‌واژی

دیگر بستگی داشته باشد (بوی، ۲۰۱۶: ۴۳۳). برای مثال، در زبان انگلیسی واژه [crushable] وجود ندارد؛ در حالی که واژه [uncrushable] در واژگان وجود دارد. آنچه بوی بر آن تأکید می‌ورزد این مسئله است که در بسیاری از موارد ممکن است ساختاری مانند [v-able] وجود نداشته باشد تا به قیاس از آن واژه [un-v-able] را بسازیم. بنابراین، در طرح‌واره‌های ساختی در این الگو می‌توان نشان داد که دو طرح‌واره می‌توانند داخل یک طرح‌واره مرکب دیگر نشان داده شوند بدون این که به یک مرحله میانی (مانند v-able) نیازی باشد. تصرف و رابطه پیچیده صورت و معنی در آن همواره یکی از مسائل چالش برانگیز در حوزه ساخت‌واژه بوده است که بوی از آن به عنوان شاهد محکمی برای اثبات کارایی این رویکرد بهره می‌برد. مثالی که بوی (۲۰۱۶: ۴۴۱) در مورد تصرف و لزوم وجود طرح‌واره‌های مرتبه دوم مطرح می‌کند، به شکل جمع اسم‌ها در زبان ایتالیایی مربوط است:

Singular	Plural	Example
a. x-a	x-e	Porta 'door'
b. x-o	x-i	Amico 'friend'
c. x-e	x-i	Sede 'seat'

از مثال‌های فوق می‌توان دریافت که اسم‌ها در ایتالیایی از نظر شمار به سه گروه دسته‌بندی می‌شوند که طرح‌واره مرتبه دوم (۷) رابطه بین اسامی جمع و مفرد را به روشنی نشان داده است:

$$7) a. \langle (X_i-a)\omega-j \leftrightarrow [N^1_i, +SG^1]_j \rangle \approx \langle (X_i-e)\omega-j \leftrightarrow [[N_i, +PL^*]]_j \rangle$$

$$b. \langle (X_i-o)\omega-j \leftrightarrow [N_i, +SG]_j \rangle \approx \langle (X_i-i)\omega-j \leftrightarrow [[N_i, +PL]]_j \rangle$$

$$c. \langle (X_i-e)\omega-j \leftrightarrow [N_i, +SG]_j \rangle \approx \langle (X_i-i)\omega-j \leftrightarrow [[N_i, +PL]]_j \rangle$$

با ذکر این مقدمه از الگوی ساخت‌واژه ساختی، در بخش چهارم و پنجم در همین چارچوب به بررسی و

تحلیل تصرف فعل در زبان گُردی خواهیم پرداخت.

۳- ساخت ستاک‌های فعل در گُردی

در زبان گُردی، ریشه فعلی می‌تواند میزبان پیشوندها و پسوندهای فعلی مشخصی باشد که در ادامه به معرفی و بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت. در گُردی سورانی تحلیل‌های متفاوتی از ساختار ساخت‌واژی فعل ارائه شده است که کریم (۲۰۱۶) بیشتر آن‌ها را به چالش کشیده و در اکثر موارد دیدگاهی اصلاحی ارائه کرده است که شرح و بسط همه این پژوهش‌ها در این مقال نمی‌گنجد. اما از آنجاکه گویش مورد بررسی، گویش سندجی از زبان گُردی است و این گویش از نظر ساختار ساخت‌واژی (و نحوی) تفاوت‌های چشمگیری با گویش سورانی دارد، در این پژوهش با در نظر گرفتن دسته‌بندی‌های کریم (۲۰۱۶) تحلیل ساخت ساخت‌واژی فعل گُردی

1. Noun
2. Singular
3. Plural

سنندجی پرداخته خواهد شد. داده‌های این پژوهش برگرفته از پیکره‌ای ۱۰۰۰ جمله‌ای شامل ۱۰۰ فعل ساده کردی سنندجی است که از گویشوران این گویش گردآوری شده است.

هسپلمت^۱ (۲۰۱۳) ریشه را به صورت پایه‌ای تعریف کرده است که تجزیه‌پذیر به تکواژهای دیگر نباشد. کاتامبا^۲ (۱۹۹۳) تعریفی جامع‌تر ارائه کرده است که براساس آن تکواژهایی را که به عناصر کوچک‌تر تجزیه‌پذیر نیستند و به خودی خود معنا دارند یا نشانگر نقش‌های نحوی هستند، با عنوان ریشه معرفی می‌کند. در زبان کردی ریشه فعلی به تنهایی به کار نمی‌رود و به صورت تکواژ مقید در ساختار ساخت‌واژی همراه با پیشوندها و پسوندهای فعلی ایفای نقش می‌کند. بنابراین، معنای فعل و آنچه ما در زبان کردی به عنوان فعل در ساختارها به کار می‌بریم، ترکیبی از ریشه فعلی، وندها و در مواردی هم واژه‌بست‌ها است.

کریم (۲۰۱۶) با در نظر گرفتن این مسئله که ستاک، حاصل ترکیب یک ریشه با یک هسته مقوله‌ساز^۳ است، تأکید می‌کند تقسیم‌بندی ستاک‌های فعلی در کردی مرکزی باتوجه به زمان آن‌ها نتیجه‌ای درست به دنبال نخواهد داشت. به این دلیل که ستاکی که از ترکیب یک ریشه و یک هسته مقوله‌ساز ساخته شده باشد، فاقد نشانگر زمان است. بنابراین، آنچه کریم (۲۰۱۶) عنوان می‌کند این مسئله است که ستاک‌هایی که با عنوان ستاک حال یا گذشته از آن‌ها نام می‌بریم، ستاک‌هایی هستند که فاقد نشانگر زمان هستند و از آن‌ها برای ساختن صورت‌واژه خاص آن زمان بهره می‌بریم. باتوجه به این مفاهیم، در این بخش به توصیف ستاک‌های زمان حال و گذشته و ترسیم طرح‌واره‌های ساختی آن‌ها می‌پردازیم.

۳-۱- ستاک حال

آنچه کریم (۲۰۱۶) برپایه پژوهش فتاح^۴ (۱۹۹۷) به عنوان قواعد ساخت ستاک حال برشمرده است، براساس پنج گروه متفاوت از ستاک‌های گذشته در زبان کردی تعریف شده است. به صورت خلاصه، در این دسته‌بندی ستاک‌های گذشته بر مبنای آخرین واجی که بعد از حذف علامت مصدر یعنی /n(ə)/ باقی می‌ماند، به پنج دسته مختوم به /i/، مختوم به /u/، مختوم به /a:/، مختوم به /d/ و مختوم به /t/ تقسیم شده‌اند و برای هر کدام قواعدی در نظر گرفته شده است که در حالت کلی استثناهایی را شامل می‌شود. از آنجاکه تحلیل حاضر تحلیلی ساخت‌واژی است و مبنای آن چارچوب ساخت‌واژه ساختی است، بر آن شدیم تا تحلیلی ساخت‌واژی از ستاک حال ارائه دهیم که بتوان در این چارچوب به تحلیل آن پرداخت. علاوه بر این، هدف از ارائه این قواعد، تعریف دستورالعملی بهینه است که اکثریت داده‌های زبانی را دربر گیرد و میزان استثناهای آن به حداقل برسد. بدیهی است که این تحلیل‌ها استثناهایی را نیز شامل می‌شود که تعدادی از آن‌ها به محیط آوایی واژه و فرایندهای واجی

1. M. Haspelmath
2. F. Katamba
3. Category-forming head
4. M.M. Fattah

مربوط می‌شود و بخشی از آن‌ها که ستاک حالشان با صورت مصدری کاملاً متفاوت است، به ریشه‌یابی درزمانی نیاز دارند. اما در حالت کلی از میان ۱۰۰ فعل ساده‌ی زبان کردی ۹۲ درصد داده‌ها تابع این قواعد بوده‌اند.^۱ در تعاریف و قواعدی که پیش‌تر برای ساخت ستاک حال و ستاک گذشته در زبان کردی (رخزادی، ۱۳۹۱؛ کریم، ۲۰۱۶؛ فتاح، ۱۹۹۷) و همین‌طور در دستور زبان فارسی (انوری و گیوی، ۱۳۸۵) ارائه شده است، با حذف نشانگر مصدری، ستاک گذشته و با حذف واج یا واج‌هایی از ستاک گذشته، ستاک حال ساخته می‌شود. از آنجاکه در پژوهش‌های زبان‌شناسی، مبنای ساخت صورت‌های مرکب و پیچیده، صورت‌های ساده است، در زبانی مانند زبان کردی که ستاک حال صورت ساده‌تر به‌شمار می‌رود، از ستاک حال، ستاک گذشته و درپی آن از ستاک گذشته، صورت مصدری ساخته می‌شود. اما آنچه در مورد ارتباط بین ستاک‌های حال و گذشته باید مدنظر داشت، این مسئله است که در زبان کردی نمی‌توان برای تمام فعل‌ها به قواعد مشخصی قائل شد که با اعمال آن‌ها بر ستاک حال، بتوان به ستاک گذشته دست یافت.

اگرچه در زبان فارسی، می‌توان بین ستاک‌های حال «خور» و «پراکن» و صورت مصدری آن‌ها یعنی «خوردن» و «پراکندن» ارتباطی قاعده‌مند قائل شد، بین ستاک‌های حال فعل‌هایی مانند «ده» و «گشا» و صورت مصدری آن‌ها یعنی «دادن» و «گشودن» چنین قاعده‌ای مفروض نیست. نکته‌ی درخور توجه در ارتباط با چارچوب ساخت‌واژه ساختی، همان‌طور که در بخش قبل نیز به آن اشاره شد، این است که می‌توان در این چارچوب ارتباط بین صورت‌واژه‌ها را در مواردی ترسیم کرد که نمی‌توان صورت پایه‌ای برایشان قائل بود. به این منظور، ستاک گذشته در زبان کردی بر مبنای آوای پایانی در چهار دسته جای می‌گیرند و ارتباط هرکدام از این گروه‌ها با ستاک حال در طرح‌واره‌های مرتبه‌ی دوم (۸) تا (۱۱) نشان داده می‌شود:

جدول (۱). طرح‌واره‌های مرتبه‌ی دوم ستاک حال و ستاک گذشته

طرح‌واره‌های ساختی	مثال		معادل فارسی (صورت مصدری)
	ستاک حال	ستاک گذشته	
8) X/(V, PRS') ≈ X-vowel/(V*, PST ⁱ)	tʃ	tʃu:	رفتن
9) X/(V, PRS) ≈ X-d/(V, PRS)	ʒæn	ʒænd	نواختن
10) X/(V, PRS) ≈ X-t/(V, PST)	ʒənæf	ʒnæft	شنیدن
11) X-n/(V, PRS) ≈ X-a.nd/(V, PST)	wæfɪn	wæfɑ:nd	کاشتن

۱. لازم است ذکر شود تعدادی از واژه‌هایی که از این قاعده مستثنی هستند، واژه‌هایی هستند که ریشه‌ی ستاک حال و گذشته آن‌ها باهم متفاوت است. برای مثال، گذشته‌ی ساده‌ی فعل گفتن (= گفتم) در کردی به صورت (wt=m) و مضارع اخباری (= می‌گویم) آن به صورت (æ-i-ʒ=m) در ساختار ظاهر می‌شود.

2. Present
3. Verb
4. Past

۳-۲ ستاک گذشته

در زبان کردی مانند بسیاری دیگر از زبان‌های دنیا، فعل علاوه بر صورت‌های زمان‌دار، یک صورت بدون زمان دارد. این صورت بی‌زمان یا همان شکل مصدری فعل، در زبان کردی با نشانگر مصدری /n(ə)/ همراه است. بنابراین، با افزودن نشانگر مصدری به ستاک گذشته، صورت بی‌زمان فعل ساخته می‌شود که طرح‌واره (۱۲) این ساخت را به خوبی نشان می‌دهد:

جدول (۲). ساخت صورت مصدری از ستاک گذشته

طرح‌واره‌های ساختی	مثال		معادل فارسی
	ستاک گذشته	صورت مصدری	
	tʃu:	tʃu:-n	رفتن
12-[X _i (V,PST)-(ə)n] ↔ INF ¹ SEM _i	ʒænd	ʒænd-ən	نواختن
	ʒnæft	ʒnæft-ən	شنیدن
	wæʃa:nd	wæʃa:nd-ən	کاشتن

۴- وندهای فعلی

در زبان کردی نیز مانند فارسی، ستاک حال، تکواژی مقید است که نمی‌تواند به‌عنوان یک صورت‌واژه مستقل در ساختار ظاهر شود؛ اما از آنجایی که نشانگر سوم شخص مفرد یک تکواژ صفر است و هیچ‌گونه نظاهر آوایی ندارد، ستاک گذشته در حالت بی‌نشان خود و بدون هیچ‌وندی در حالت سوم شخص مفرد قرار دارد و می‌توان به‌نوعی آن را تکواژ آزاد خواند. کریم (۲۰۱۶) پیشوندهای فعلی را به دو دسته تکواژهای وجه^۲ و نشانگر نفی و نهی دسته‌بندی می‌کند و پسوندها را در سه دسته تکواژهای نشانگر نمود^۳، پسوند مجهول‌ساز^۴ و نشانگرهای مطابقه^۵ جای می‌دهد. در این نوشتار وندهای فعلی با نگاهی اجمالی بر پژوهش کریم (۲۰۱۶)، بازبینی و دسته‌بندی می‌شوند و در پایان هر بخش، طرح‌واره‌های ساختی مربوط به هر دسته ارائه می‌شود.

۴-۱ پیشوندهای فعلی

کریم (۲۰۱۶) پیوستاری را برای پیشوندهای فعلی در زبان کردی ارائه کرده است:

نشانگر نفی < نشانگرهای وجه > ستاک فعلی

وی در بررسی کلی نشان داده است که نشانگر نفی و تکواژ /æ/ که نشان‌دهنده استمرار در وجه اخباری است، فقط در مورد زمان گذشته استمراری می‌تواند باهم رخ دهند و در شرایط دیگر نشانگرهای وجه و نشانگر

1. Infinitive
2. Mood morphemes
3. Aspectual morphemes
4. Passive suffix
5. Agreement markers

نفی باهم در توزیع تکمیلی‌اند.

۴-۱-۱ تکواژهای نشانگر وجه

الف. تکواژ /æ/ این تکواژ که در کردی سورانی گاهی به صورت /dæ/ نیز به کار می‌رود نشان‌دهنده وجه اخباری است که استمرار را هم در این وجه نشان می‌دهد. این تکواژ به هر دو ستاک گذشته و حال متصل می‌شود و به ترتیب گذشته ناقص و حال اخباری را نشان می‌دهد. مانند /æ-tf-in/ که با افزوده شدن تکواژ نشانگر وجه /æ/ به ستاک حال، وجه اخباری را نشان می‌دهد و /æ- tʃu-in/ که با افزوده شدن این تکواژ به ستاک گذشته، گذشته ناقص ساخته می‌شود.

ب. تکواژ /b/ این تکواژ دو نقش متفاوت را بر عهده دارد: ساخت حال التزامی و ساخت امری. بدیهی است که تفاوت وجه التزامی و وجه امری در منحصربه‌فرد بودن مخاطب فعل امر است که الزاماً به صورت دوم شخص (مفرد یا جمع) در ساختار ظهور پیدا می‌کند؛ اما در وجه التزامی فعل می‌تواند برای تمام اشخاص تصریف شود. ج. وجه شرطی: برای ساخت وجه شرطی در زمان گذشته، تکواژ /b/ به صورت پیراوند ای با زنجیره /aj/ ستاک گذشته را دربر می‌گیرند.

طرح‌واره‌های ساخت‌هایی که این تکواژهای نشانگر وجه در آن ظاهر می‌شوند، به صورت جدول (۳) است.

جدول (۳). طرح‌واره‌های ساختی ساخت‌های دارای پیشوندهای وجه

معادل فارسی	مثال	طرح‌واره‌های ساختی
می‌رویم	æ-tf-in	13-[æ-X _i (PRS)-affix] ↔ [PRES indicative ^v /PROG ^r SEM _i]
می‌رفتیم	æ- tʃu-in	14-[æ-X _i (PST,INTR ^t)-affix] ↔ [PST imperfective ^o /PROG SEM _i]
می‌خوردیم	æ-man-xward	15-[æ-clitic-X _i (PST,TR ^v)] ↔ [PST imperfective /PROG SEM _i]
برویم	b- tf -in	16-[b- X _i (PRS)-affix] ↔ [present subjunctive ^v SEM _i]
(اگر) رفته بودیم	b- tʃ u-aj-in	17-[b- X _i (PST,INTR)-aj-affix] ↔ [past subjunctive SEM _i]
(اگر) خورده بودیم	b-man-xward-aj	18-[b-clitic- X _i (PST,TR)-aj] ↔ [past subjunctive SEM _i]
بنویس	b-nu:s-æ	19-[b- X _i (PRS)-æ] ↔ [2 nd SGimperative [^] SEM _i]
بروید	b- tʃ -ən	20-[b- X _i (PRS)-ən] ↔ [2 nd PLimperative SEM _i]
بنویسید	b-nus-ən	

1. Circumfix

۲. وجه اخباری

3. Progressive: استمراری

4. Intransitive: لازم

۵. گذشته ناقص

6. Transitive: متعدی

۷. وجه التزامی

۸. وجه امری

۴-۱-۲ نشانگر منفی ساز

کریم (۲۰۱۶) چهار نوع نشانگر منفی ساز را براساس محیط دستوری برشمرده است که در این پژوهش نیز با اصلاحاتی به این دسته بندی استناد می‌کنیم:

نوع اول: نشانگر منفی ساز /na/: که به ستاک‌های حال و گذشته متصل می‌شود و می‌توان آن را به صورت ترکیبی از نشانگر وجه /æ/ و نشانگر منفی ساز /næ/ دانست. در ساختارهای گذشته متعددی که در آن‌ها واژه بست بعد از نشانگر نفی ظاهر می‌شود این دو سازه از یکدیگر جدا می‌شوند و ضمیر واژه بستی بین آن‌ها قرار می‌گیرد. نوع دوم: نشانگر منفی ساز /næ/ که به ستاک‌های حال و گذشته متصل می‌شود. نوع سوم: نشانگر نفی /mæ/ که به ستاک حال متصل می‌شود و برای دوم شخص مفرد و جمع تصریف می‌شود. نوع چهارم: نشانگر منفی ساز /ni/ که به زمان حال فعل «بودن» متصل می‌شود.

جدول (۴). طرح‌واره‌های ساختی فعل‌های نفی و نهی

معاادل فارسی	مثال	طرح‌واره‌های ساختی
نمی‌رویم	na:- tʃ -in	21-[na:- X _i (PRS)-affix] ↔ [negative SEM _i]
نمی‌رفتیم	na:- tʃu: -in	22-[na:- X _i (PST, INTR)-affix] ↔ [negative SEM _i]
نمی‌بردیم	næ-man-æ-brd	23-[næ-clitic-æ- X _i (PST, TR)] ↔ [negative SEM _i]
نرویم	næ- tʃ -in	24-[næ- X _i (PRS)-affix] ↔ [negative SEM _i]
نرفتیم	næ- tʃu: -in	25-[næ- X _i (PST, INTR)-affix] ↔ [negative SEM _i]
ننوشتیم	næ-man-nusi	26-[næ-clitic- X _i (PST, TR)] ↔ [negative SEM _i]
ننویس	mæ-nu:s-æ	27-[mæ- X _i (PRS)-æ] ↔ [2' SG prohibitive ^r SEM _i]
ننویسید	mæ-nu:s-n	28-[mæ- X _i (PRS)-n] ↔ [2 PL prohibitive SEM _i]
نیست	ni-æ	29-[ni- X _i (Be, PRS)] ↔ [negative SEM _i]

۴-۲ پسوندهای فعلی

نشانگرهای مطابقه، پسوند اسم مفعول ساز، نشانگر نمود کامل، نشانگر مجهول و همین طور نشانگر وجه شرطی در زمان حال تکواژهایی هستند که به عنوان پسوند در زبان کردی به فعل متصل می‌شوند.

۴-۲-۱ نشانگرهای مطابقه

در مطالعات زبان کردی، دو گروه تکواژ وابسته را به عنوان شناسه‌های ضمیری معرفی کرده‌اند. نخستین گروه که در جدول (۶) نشان داده شده است، تکواژهایی هستند که کریمی (۲۰۱۰) از آن‌ها با نام وندهای فاعلی^۴ نام برده

۱. نفی

2. Second person

۳. نهی

4. Nominal affixes

است؛ درحالی‌که سمولیان^۱ (۲۰۰۷) و تکستون^۲ (۲۰۰۶) به‌ترتیب از عناوین ضمیرهای واژه‌بستی^۳ و پایان‌بخش‌های شخصی^۴ استفاده کرده‌اند. کریمی و تکستون گروه دوم را که در جدول (۵) نشان داده شده است، با عنوان واژه‌بست‌های غیرصریح معرفی کرده‌اند و سمولیان با عنوان پایان‌بخش‌های فعلی^۵ از آن‌ها نام می‌برد. از آنجا که تحلیل حاضر تحلیلی ساخت‌واژی است، در این پژوهش به پیروی از کریم (۲۰۱۶) از دو عنوان مطابقت فعلی (affix در طرح‌واره‌ها) برای گروه نخست و ضمائر واژه‌بستی (clitic در طرح‌واره‌ها) برای گروه دوم استفاده خواهیم کرد. ضمائر واژه‌بستی، ضمائری هستند که در ساخت‌های گذشته متعدی ظاهر می‌شوند و سایر ساخت‌ها، شخص و شمار را با استفاده از وندهای مطابقت فاعلی نشان می‌دهند. گفتنی است که در برخی موارد مانند نمود استمراری گذشته متعدی، ضمائر واژه‌بستی به‌صورت پیشوند و پیش از ستاک فعلی ظاهر می‌شوند.

جدول (۶). وندهای مطابقت فعلی (تکستون ۲۰۰۶)

نشانگر	شخص جمع	نشانگر	شخص مفرد
in	اول شخص	m	اول شخص
ən	دوم شخص	it	دوم شخص
ən	سوم شخص	Ø/æ	سوم شخص

جدول (۵). ضمائر واژه‌بستی (تکستون ۲۰۰۶)

نشانگر	شخص جمع	نشانه	شخص مفرد
man	اول شخص	m	اول شخص
tan	دوم شخص	t	دوم شخص
jan	سوم شخص	i	سوم شخص

در جدول (۷)، طرح‌واره‌های ساختی گذشته ساده و حال استمراری برای نشان‌دادن کاربرد نشانگرهای مطابقت، ترسیم شده است.

جدول (۷). طرح‌واره‌های ساختی گذشته ساده و حال استمراری

معادل فارسی	مثال	طرح‌واره‌های ساختی
رفتیم	tʃu-in	30-[X _i (PST, INTR)-affix] ↔ [simple past ^۱ SEM _i]
نوشتیم	nusi-man	31-[X _i (PST, TR)-clitic] ↔ [simple past SEM _i]
می‌رویم	æ-tʃ-in	32-[æ-X _i (PRS, INTR)-affix] ↔ [present indicative / PROG SEM _i]
می‌نویسیم	æ-nu:s-in	33-[æ-X _i (PRS, TR)-affix] ↔ [present indicative / PROG SEM _i]

۴-۲-۲ پسوندد اسم مفعول ساز /g/

دبیرمقدم (۱۳۹۲: ۶۳۸) تکواژ /g/ را پسوند اسم مفعول ساز معرفی می‌کند که همراه با فعل ربطی پی‌بستی /æ/

1. P. Samvelian
2. W.M. Thackston
3. Clitic pronouns
4. Personal endings
5. Verbal endings

۶. گذشته ساده

۷. این تکواژ با تکواژ نشانگر وجه متفاوت است.

با ستاک گذشته لازم ترکیب می‌شوند و ساخت گذشته نقلی را می‌سازند. طرح‌واره‌های زیر را برای این ساخت می‌توان در نظر گرفت.

جدول (۸). طرح‌واره‌های ساختی ماضی نقلی

معادل فارسی	مثال	طرح‌واره‌های ساختی
رفته‌ام	tʃu:-g=m	34-[X _i (PST,INTR)-g-affix] ↔ [present perfect SEM _i]
برده‌ام	bərd-g=m-æ	35-[X _i (PST,TR)-g-clitic-æ] ↔ [present perfect SEM _i]

۴-۲-۳ نشانگر نمود کامل

ساخت فعل دارای نمود کامل، در زمان گذشته با زمان حال متفاوت است. فعل‌های لازم در زمان حال با افزوده شدن پسوند اسم مفعول ساز /g/ به ستاک گذشته دارای نمود کامل می‌شوند؛ در حالی که در مورد فعل‌های متعدی علاوه بر پسوند اسم مفعول ساز، فعل ربطی پی‌بستی /æ/ باید به ستاک گذشته متصل شود تا صورت فعلی حال کامل را به دست دهد. در زمان گذشته با اتصال نشانه ماضی بعید ساز /:u:/ به ستاک گذشته فعل، گذشته کامل ساخته می‌شود.

جدول (۹). طرح‌واره‌های ساختی نمود کامل

معادل فارسی	مثال	طرح‌واره‌های ساختی
افتاده بودیم	kæft-u:-in	36-[X _i (PST,INTR)-u:-affix] ↔ [past perfect SEM _i]
نوشته بودیم	nusi-u:-man	37-[X _i (PST,TR)-u:-clitic] ↔ [past perfect SEM _i]
افتاده‌ایم	kæft-g-in	38-[X _i (PST,INTR)-g-affix] ↔ [present perfect SEM _i]
نوشته‌ایم	nusi-g-man-æ	39-[X _i (PST,TR)-g-clitic-æ] ↔ [present perfect SEM _i]

۴-۲-۴ نشانگر مجهول

کریمی دوستان و دانش‌پژوه (۱۳۹۵) ساخت مجهول را در سورانی به این دلیل که از طریق وندافزایی به فعل ساخته می‌شود، به عنوان مجهول ساخت‌واژی معرفی می‌کنند و در مقابل، ساخت مجهول را در کردی کرمانجی از نوع ترکیبی می‌دانند. آنچه به عنوان نشانگر مجهول شناخته می‌شود، تکواژ /ra:/ در سورانی و تکواژ /ya:/ در اردلانی است. کریم (۲۰۱۶) مانند مکزی^۳ (۱۹۶۱) و امین^۴ (۱۹۵۸) اظهار می‌دارد که این تکواژ در سورانی دو تکواژگونه /ra:/ و /re/ را به ترتیب برای زمان گذشته و زمان حال دارد. در اردلانی تکواژ /ya:/ برای ساخت مجهول در همه زمان‌ها و نموده‌ها به کار برده می‌شود، به استثنای ساخت مجهول حال استمراری که در آن تکواژ

۱. حال کامل

۲. گذشته کامل

3. D.N. Mackenzie

4. N.A. Ameen

مجهول‌ساز ظاهر نمی‌شود؛ ولی پیشوند نشانگر وجه اخباری /æ/ و پسوند اسم مفعول‌ساز /g/ هم‌زمان به ستاک حال متصل می‌شوند.

جدول (۱۰). طرح‌واره‌های ساختی ساخت مجهول

معادل فارسی	مثال	طرح‌واره‌های ساختی
نوشته شده‌است	nus-ya-g-æ	40-[X _i (PRS)-ya:-g-æ] ↔ [present passive SEM _i]
نوشته شده بود	nus-ya-u:-∅	41-[X _i (PRS)-ya:-u:-affix] ↔ [past passive SEM _i]
نوشته می‌شود	æ-nus-g-et	42-[æ-X _i (PRS)-g-affix] ↔ [present passive continuous SEM _i]
نوشته می‌شد	æ-nus-ja-∅	43-[æ-X _i (PRS)-ya-affix] ↔ [past passive continuous SEM _i]

۴-۲-۵ نشانگر وجه شرطی

وجه شرطی در زمان حال، همچنان که در طرح‌واره‌های جدول (۱۱) مشاهده می‌شود، با استفاده از ستاک گذشته و پسوند /wet/ ساخته می‌شود.

جدول (۱۱). طرح‌واره‌های ساختی ساخت مجهول

معادل فارسی	مثال	طرح‌واره‌های ساختی
افتاده باشیم	kæft-wet-in	44-[X _i (PST, INTR)-wet-affix] ↔ [present subjunctive SEM _i]
نوشته باشیم	nusi-wet-man	45-[X _i (PST, TR)-wet-clitic] ↔ [present subjunctive SEM _i]

پس از بررسی صورت‌های تصریفی فعل در زبان کردی و ترسیم طرح‌واره‌های ساختی برای هرکدام از ساخت‌ها، به‌روشنی می‌توان دریافت که چارچوب موردنظر در این زمینه کارآمد بوده و تمام ساخت‌های فعلی را در زبان کردی به‌خوبی نشان می‌دهد. به‌عبارتی، این طرح‌واره‌ها، فرمول‌هایی هستند که با جایگذاری متغیرهای زبانی مناسب در جایگاه‌های مشخص‌شده، صورت‌های تصریفی فعل را به‌دست می‌دهند. علاوه‌براین، طرح‌واره‌های مرتبه دوم در مواردی همچون ساخت ستاک گذشته از ستاک حال که نمی‌توان به وجود قاعده‌ای مشخص و ساختی میانی قائل شد، ابزارهایی کاربردی هستند.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

طرح‌واره‌های ساختی، رابطه‌ای نظام‌مند را بین صورت و معنا برقرار می‌کنند. از آنجاکه فرایند تصریف به‌عنوان یکی از فرایندهای مهم حوزه ساخت‌واژه، همواره با مشکلاتی مانند تخصیص چند نقش و معنا به یک‌وند تصریفی واحد مواجه است، این رویکرد با استفاده از طرح‌واره‌های اصلی و زیرطرح‌واره‌ها می‌تواند تحلیل و توصیف صورت‌های تصریفی را به‌خوبی ارائه کند. در زبان کردی، برای ساخت ستاک گذشته از ستاک حال

نمی‌توان ستاک‌ها را بر مبنای واج پایانی یا تعداد هجا یا دیگر ویژگی‌های مشترک تقسیم‌بندی کرد. برای ارائه دستورالعملی مشخص در این خصوص، طرح‌واره‌های اصلی کارآمد نبودند؛ بنابراین، از طرح‌واره‌های مرتبه دوم برای مشخص کردن ارتباط بین دو صورت ستاک حال و گذشته بهره بردیم. برای سایر ساخت‌ها مثل ساخت صورت مصدری، از ستاک گذشته و ساخت‌های التزامی، اخباری، امری، کامل، نفی، نهی و مجهول، طرح‌واره‌های اصلی به‌خوبی قاعده ساخت‌واژی و پیشوندها و پسوندهای تصریفی را به تصویر کشیده‌اند. در نهایت، دستاورد این پژوهش، توصیفی جامع از تصریف فعل و وندهای تصریفی در زبان کردی و بررسی این فرایند در چارچوب ساخت‌واژه ساختی است که الگویی کارآمد در این زمینه به‌شمار می‌رود.

منابع

- انوری، حسن؛ احمدی گیوی، حسن (۱۳۸۵). *دستور زبان فارسی ۱*. تهران: فاطمی.
- دانش پژوه، فاطمه؛ کریمی دوستان، غلامحسین (۱۳۹۵). مجهول در کرمانجی و سورانی بر پایه دستور نقش و ارجاع. *جستارهای زبانی*، ۷(۲)، ۳۳-۴۷.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۲). *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی*. جلد دوم. تهران: سمت.
- رخزادی، علی (۱۳۹۱). *آواشناسی و دستور زبان کردی*. سنندج: کردستان.

References

- Ameen, N.A. (1958). *Another filling gap of Kurdish grammar: Prefixes and suffixes*. Ma'arif PRSs.
- Anvari, H., & Ahmadi Givi, H. (2014). *Persian grammar 1*. Tehran: Fatemi (In Persian).
- Bochner, H. (1992). *Simplicity in generative morphology*. Berlin: Mouton de Gruyter.
- Booij, G. (2010). Construction morphology. *Language and linguistics compass*, 4(7), 543-555.
- Booij, G. (2016). Construction morphology. In H. Andrew & G. Stump (Eds.), *The Cambridge Handbook of Morphology* (pp. 424-448). Cambridge University PRSs.
- Booij, G. (2017). The construction of words. In B. Dancygier (Ed.), *The Cambridge handbook of cognitive linguistics* (pp. 229-246). Cambridge: Cambridge University Press
- Dabirmoghaddam, M. (2013). *Iranian languages' typology 2*. Tehran: Samt (In Persian).
- Daneshpajouh, F., & Karimidoostan, Gh. (2016). Passive in Sorani and Kurmanji: RRG approach. *Jostarihaye zabani*, 7(2), 33-47 (In Persian).
- Fattah, M.M. (1997). *A generative grammar of Kurdish*. Ph.D. Thesis, University of Amsterdam.
- Haspelmath, M., & Sims, A. (2013). *Understanding morphology*. Routledge.
- Kareem, R.A. (2016) *The syntax of verbal inflection in Central Kurdish*. Ph.D. Thesis, Newcastle University.
- Karimi, Y. (2010). Unaccusative TRs and the Person-case constraint effects in Kurdish. *Lingua*, 120(3), 693-716.

- Katamba, Francis (1993). *Morphology*. New York: St. Martin's PRSs.
- MacKenzie, D. N. (1961). The origins of Kurdish. *Transactions of the Philological Society*, 60(1), 68-86.
- Pollock, J.Y. (1989). Verb movement, Universal Grammar, and the structure of IP. *Linguistic Inquiry*, 20(3), (365-424).
- Rokhzadi, A. (2012). *Kurdish grammar and phonology*. Sanandaj: Kurdistan (In Persian).
- Samvelian, P. (2007). What Sorani Kurdish absolute prepositions tell us about cliticization. In Texas Linguistic Society IX, *The Morphosyntax of Underrepresented Languages* (pp. 263-283). Stanford: CSLI Publications.
- Spencer, A. (1991). *Morphological theory: An introduction to word structure in generative grammar*. Oxford: Blackwell.
- Stump, G.T. (2001). Inflection. In A. Spencer & A.M. Zwicky (Eds.), *The Handbook of Morphology* (pp. 13-43). Oxford: Blackwell.
- Thackston, W.M. (2006). *Sorani Kurdish: A reference grammar with selected readings*. Renas Media.
- Van der Spuy, A. (2017). Construction morphology and inflection. *Lingua*, 199, 60-71.





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی